

Comparatively, interpret the family drawings test for normal and divorced children as well as orphans and abandoned (9 to 14 years old) with an emphasis on the study of anxiety, depression, and aggression

Shima Abedin¹, Shima Heydari²

1-M.Sc, Department of Psychology, Payame Noor University, Amol, Iran (Corresponding Author).

E-mail: Shima.abedin@yahoo.com

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Payame Noor University, Amol, Iran.

Received: 25/04/2021

Accepted: 25/07/2021

Abstract

Introduction: For childrens mental health, different levels of family environment dysfunction are considered as risk factors.

Aim: The aim of the study was to comparatively interpret the family drawings test for normal and divorced children as well as orphans and abandoned (9 to 14 years old) with an emphasis on the study of anxiety, depression, and aggression.

Method: The present study was causal-comparative research. The statistical population included children aged 9 to 14 years from normal families, children of divorce, orphans, and abandoned in Tehran. The sample size consisted of 50 normal and 50 children from the other three groups who were determined based on the purposive assignment method and available sampling. For collecting the data, the Buss and Perry's Aggression Questionnaire, Revised Children's Manifest Anxiety Scale, Child Depression Inventory, and also the Corman family Drawing test were used. The collected data were analyzed using SPSS software version 22 through analysis of variance and multiple comparisons (Scheffe).

Results: Findings showed that there is a high correlation between the scores of the anxiety index, depression, and aggression of children with the scores of these variables in the children's drawing test ($P=0.000$) on the other hand, the results of analysis of variance and Scheffe test showed that there was a significant difference between normal children and divorced children as well as orphans and abandoned ($P=0.000$, $F=581.870$) and the level of anxiety, depression, and aggression of abandoned children (196.15), orphaned children (186.69) and divorced children (174.55) was more than normal children (111.94).

Conclusion: According to the interpretation of the tests, it can be concluded that children from divorced as well as orphans and abandoned children are more depressed, anxious, and aggressive than normal children and regarding these components, abandoned children were worse off than orphans and divorced children.

Keywords: Anxiety, Depression, Aggression, Drawing test, Divorce

How to cite this article: Abedin Sh, Heydari Sh. Comparatively, interpret the family drawings test for normal and divorced children as well as orphans and abandoned (9 to 14 years old) with an emphasis on the study of anxiety, depression, and aggression. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2021; 8 (3): 140-155 .URL: <http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-1231-en.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

تفسیر تطبیقی آزمون نقاشی خانواده کودکان عادی و کودکان طلاق، بی‌سرپرست و بدسرپرست (۹ تا ۱۴ ساله) با تأکید بر بررسی اضطراب، افسردگی و پرخاشگری

شیما عابدین^۱، شیما حیدری^۲

۱. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، آمل، ایران (مؤلف مسئول). ایمیل: Shima.abedin@yahoo.com

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، آمل، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

چکیده

مقدمه: سطوح مختلف بد کارکردی خانواده به عنوان عوامل خطر سلامت روان فرزندان مطرح است.

هدف: هدف از پژوهش حاضر، تفسیر تطبیقی آزمون نقاشی خانواده کودکان عادی و طلاق و نیز کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست (۹ تا ۱۴ ساله) با تأکید بر بررسی اضطراب، افسردگی و پرخاشگری بود.

روش: این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری شامل کودکان ۹ تا ۱۴ ساله خانواده‌های عادی، کودکان طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بود. حجم نمونه شامل ۵۰ کودک عادی و ۵۰ کودک از سه گروه دیگر بود که براساس روش انتساب هدفمند و نمونه‌گیری در دسترس تعیین شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه پرخاشگری باس و پری، آزمون اضطراب آشکار کودکان، مقیاس افسردگی و آزمون نقاشی خانواده کورمن استفاده شد. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و از طریق آزمون تحلیل واریانس و مقایسه چندگانه شفه مورد ارزیابی قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که میان نمرات شاخص اضطراب، افسردگی و پرخاشگری کودکان و نمرات این متغیرها در آزمون نقاشی کودکان همبستگی بالایی وجود دارد ($P=0/000$) از سوی دیگر، نتایج آزمون تحلیل واریانس و شفه نشان داد که تفاوت معناداری میان کودکان عادی و کودکان طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست وجود دارد ($F=581/870$ و $P=0/000$) و به ترتیب میزان اضطراب، افسردگی و پرخاشگری کودکان بدسرپرست (۱۹۶/۱۵)، کودکان بی‌سرپرست (۱۸۶/۶۹) و کودکان طلاق (۱۷۴/۵۵) بیشتر از کودکان عادی (۱۱۱/۹۴) بود.

نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت که کودکان خانواده‌های بدسرپرست، بی‌سرپرست و طلاق نسبت به کودکان عادی، افسرده‌تر، مضطرب‌تر و پرخاشگرتر هستند و در این میان کودکان بدسرپرست وضعیت بدتری از کودکان بی‌سرپرست و کودکان طلاق داشتند.

کلیدواژه‌ها: اضطراب، افسردگی، پرخاشگری، آزمون نقاشی، طلاق

مقدمه

مطابق با ویراست پنجم راهنمای تشخیص اختلالات روانی انجمن روانپزشکی آمریکا^۷ (۲۰۱۳)، اختلال افسردگی به عنوان یک مسئله روانی که در آن شخص به گونه‌ای پایدار ناراحتی عمیق و مداوم و علاقه کاسته شده‌ای را در تمام فعالیت‌ها برای دوره‌ای حداقل دو هفته‌ای تجربه می‌کند، تعریف شده است. افسردگی به عنوان یک اختلال خلقی با کاهش انرژی، احساس گناه، اشکال در تمرکز، بی‌اشتهایی و افکار مرگ و خودکشی مشخص می‌گردد (مولن^۸، ۲۰۱۸). این اختلال روی همه سنین از جمله کودکان تأثیر می‌گذارد و مخصوص نژاد یا فرهنگ خاصی نیست. حدود ۸ درصد کودکان و نوجوانان با اختلال افسردگی در بزرگسالی اقدام به خودکشی می‌کنند (اوکنور، لواندوسکی، رودریگز و همکاران^۹، ۲۰۱۶). برخی روانشناسان با معرفی علائمی از قبیل گریه و زاری، احساس ناخشنودی، کناره‌جویی، تحریک‌پذیری، عزت نفس پایین و شکایات جسمی پایدار، سندروم افسردگی کودکان را مطرح نموده‌اند (اصلی و اکبری، ۲۰۱۶).

کاترین و مک نیو^{۱۰} معتقدند که اختلال افسردگی در کودکان شایع است ولی به شکل مستتر بوده و با علائمی نظیر سردرد، دل‌درد، بی‌اشتهایی و شب‌ادراری تظاهر می‌نماید (ابراهیمی مقدم و جولانیا، ۱۳۹۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که کودکان افسرده دارای ادراک منفی‌تری از خانواده بوده، مادران آن‌ها افسردگی مزمن‌تری نسبت به مادران دیگر کودکان داشته، همچنین والدین کودکان افسرده رضایت کمتری از زناشویی ابراز کرده‌اند (کاسلو، دیرینگ و راکسین^{۱۱}، ۱۹۹۰). کاسلو و همکاران (۱۹۹۴)

اختلالات اضطرابی^۱ از جمله شایع‌ترین اختلالات کودکان و نوجوانان است که منجر به نقصان در عملکرد تحصیلی، سازگاری اجتماعی، زندگی خانوادگی و روابط با همسالان می‌گردد (باهاتیا و گویال^۲، ۲۰۱۸). ترس‌ها و اضطراب‌های کودکان منبعی از نگرانی، پریشانی و دستپاچگی برای والدین است. اضطراب حالت احساس شدیدی است که وقتی نمی‌توان پیامد موقعیتی را پیش‌بینی یا مطلوب بودن آن را ضمانت کرد، روی می‌دهد (سید اسماعیلی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۲). کودکان دچار اختلالات اضطرابی اغلب از علائم جسمانی شکایت دارند و نسبت به تغییرات بدنشان بسیار حساس‌اند. آن‌ها اغلب حساس‌تر از همسالانشان هستند (شیو، فالک و واکاپ^۳، ۲۰۱۶). همچنین می‌توان گفت که اضطراب بالا در کودکان و نوجوانان با پیامدهای منفی مانند احساس کارآمدی اجتماعی پایین^۴، احساس تنهایی بالاتر و احساس قربانی بودن^۵ بالاتر در ارتباط است، همچنین مشکلات اجتماعی و تحصیلی از پیامدهای واضح اختلالات اضطرابی است (دی لیجستر، دیلمن، اوتنس و همکاران^۶، ۲۰۱۸). اختلال‌های اضطرابی دوران کودکی پدیده‌ای گذرا برای کودکان نبوده و در صورتی که درمان نشوند تا سنین نوجوانی و بزرگسالی ادامه پیدا کرده و مشکلات زیادی را در آینده کودک ایجاد می‌کنند.

در کنار اختلال اضطراب، می‌توان به شیوع اختلال افسردگی در میان کودکان و نوجوانان اشاره داشت.

¹- Anxiety disorders

²- Bhatia MS, & Goyal A

³- Chiu A, Falk A, & Walkup JT

⁴- Social competence

⁵- Victimization

⁶- De Lijster, Dieleman GC, & Utens

⁷- Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders (DSM-5)

⁸- Mullen S

⁹- O'Connor BC, Lewandowski RE, Rodriguez et al.

¹⁰- Cytryn, & Mcknew

¹¹- Kaslow, Deering G, Racusin CR

کردن، آسیب رساندن به دیگران، افت تحصیلی، بیکاری، دزدی و اشکال دیگری بیماری‌های روانی فراهم آید (شیرکش، میرزایی، طبری و همکاران، ۱۳۹۵).

برای ارزیابی مشکلات کودکان از روش‌های متفاوتی در روانشناسی می‌توان استفاده کرد که از آن جمله می‌توان به ترسیم نقاشی اشاره نمود. از دیدگاه روانکاوی، نقاشی یا تصویرسازی به منزله فعالیتی بالینی- فرافکنی است، یعنی از طریق نقاشی فرد می‌تواند آنچه را که در ضمیر ناخودآگاه دارد و احتمالاً باعث ناراحتی و اضطرابش می‌شود، بیان کند. لذا نقاشی و در کل هنرهای تجسمی به عنوان ابزاری برای برون‌فکنی، تخلیه هیجانی، ارائه افکار و نشان دادن احساسات، تعارضات و تمایلات درونی استفاده می‌شود. از آنجاکه کودکان نسبت به بزرگسالان خزانه لغات محدودی برای بیان تجارب هیجانی خود دارند، نقاشی می‌تواند به عنوان زبانی برای برون‌ریزی هیجاناتی نظیر پرخاشگری باشد (جنگی، شیرآبادی، انصارالحسین و همکاران، ۱۳۹۳). لذا نقاشی کودکان یک پیام است، آنچه را که او نمی‌تواند به لفظ درآورد به ما انتقال می‌دهد. کودک همه مسائل زندگی خود را به واسطه نقاشی به تجربه در می‌آورد، خود را می‌آزماید و «من» خویشتن را بنا می‌نهد. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای هیجانی هستند و نقاشی به تنهایی به منزله جهانی است که به موازات افزایش هوشیاری و دگرگونی‌های کودک متحول می‌شود (ولتمان و براون^۴، ۲۰۰۳). نقاشی کودک از زمره فعالیت‌هایی است که تحت تأثیر تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی قرار می‌گیرد. کودک در ترسیم افراد اطراف خود آن‌ها را آنطور که می‌بیند نمی‌کشد، بلکه به گونه‌ای که آن‌ها را

با مرور وسیع مطالعات درباره کودکان افسرده و خانواده آن‌ها بدین نتیجه رسیدند که طلاق، وقایع منفی زندگی، حمایت اجتماعی پایین و غیره، احتمال بروز افسردگی را در کودکان افزایش می‌دهد (نقل از سلطانی‌فر و بینا، ۱۳۸۶).

سومین اختلال شایع در میان کودکان پرخاشگری^۱ است. پرخاشگری به عنوان یک غریزه ستیزه‌جویی بر علیه اعضای هم نوع خود در حیوانات و همین‌طور انسان، تعریف شده است. کانر^۲ (۲۰۱۲) پرخاشگری نامناسب را به عنوان یک واکنش ناسازگار و غیرمعمول به خطر واقعی یا تصور شده که ممکن است شامل افسردگی نیز باشد، تعریف می‌کند. پرخاشگری در سال‌های اولیه زندگی باعث به وجود آمدن مشکلات جبران‌ناپذیری از جمله خود پنداره ضعیف، تکانش‌گری و بیش‌فعالی و عملکرد تحصیلی ضعیف می‌گردد. عوامل مختلفی در محیط پیرامون کودک شامل خانه و مراکز مراقبتی وجود دارند که می‌توانند منجر به بروز رفتارهای پرخاشگرانه در آن‌ها شوند. به عنوان مثال، مشکلات استرس‌زای خانوادگی از قبیل از دست دادن یک شخص مورد علاقه، جابجایی به یک محله جدید، سختی‌های مهاجرت، میزان مواجهه کودک با خشونت در محیط و مواردی نظیر طلاق منجر به بروز احساس ناراحتی و ناکامی در کودکان می‌شوند و کودکان با استفاده از مکانیسم‌های مختلف سازگاری از قبیل پرخاشگری و خشونت نسبت به این تنش‌ها واکنش نشان می‌دهند (هاکنبری، ویلسون و وونگ^۳، ۲۰۱۲). در صورت عدم تشخیص به موقع پرخاشگری در کودکی، ممکن است در دوران نوجوانی و بزرگسالی زمینه برای مشکلات جدی‌تر از قبیل قلدری

^۱- Aggression

^۲- Connor

^۳- Hockenbery, Wilson D, & Wong DL

^۴- Veltman, & Browne

وضعیت خانوادگی نامتناسبی برخوردار هستند (کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست) از لحاظ وجود اضطراب، افسردگی و بروز پرخاشگری متفاوت باشد اما مشخص نیست وضعیت این کودکان در مقایسه با همدیگر به چه صورت است و کدام یک از این سه گروه وضعیت بدتری را تجربه می‌کنند. لذا این پژوهش با هدف، تفسیر تطبیقی نقاشی کودکان عادی و طلاق، کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست (۹ تا ۱۴ ساله) با تأکید بر بررسی اضطراب، افسردگی و پرخاشگری انجام گرفت.

روش

این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع علی-مقایسه‌ای است که از روش آزمون ترسیم نقاشی و پیمایش به صورت ترکیبی استفاده نموده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کودکان ۹ تا ۱۴ ساله خانواده‌های عادی، مطلقه، بدسرپرست و بی‌سرپرست در شهر تهران در سال ۱۳۹۹ بودند. حجم نمونه در این پژوهش شامل ۵۰ کودک ۹ تا ۱۴ ساله عادی و ۵۰ کودک ۹ تا ۱۴ ساله از خانواده‌های طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست شهر تهران بود.

معیارهای ورود در گروه کودکان آسیب دیده عبارت بودند از: طلاق والدین، تجربه‌ی آزار و خشونت خانگی براساس گزارش مشاور مدرسه و همچنین نبود سرپرست براساس اطلاعات مدرسه از وضعیت دانش‌آموزان. معیارهای خروج نیز عبارت بودند از عدم تمایل به شرکت در آزمون، نبود معیارهای کافی برای اثبات خشونت خانگی و بدسرپرستی والدین.

در راستای گزینش این تعداد حجم نمونه و بنابر محدودیت‌های انتخاب نمونه، یک مدرسه جهت انجام پژوهش برگزیده شد. بر این اساس، پژوهش حاضر در

درک می‌کنند یا دقیق‌تر، به گونه‌ای که خود را درک می‌کنند به نقاشی آن‌ها می‌پردازند و این امر بستگی به درجه رشد و رسیدگی روانی حرکتی کودکان دارد (کورمن^۱، ۲۰۰۸؛ بیرامی و همکاران، ۱۳۹۳). انتخاب رنگ‌ها، چگونگی سازمان‌دهی به نقاشی در صفحه، شیوه مرزبندی و محدود کردن بخش‌های مختلف یک تصویر، همگی به منزله ابعادی هستند که براساس تحلیل نقاشی کودکان به عنوان یک فعالیت تجسمی می‌توان به آن‌ها دست یافت (ولف سون^۲، ۲۰۰۸؛ سیداسماعیلی و شیخ‌الاسلامی، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی، با استفاده از نقاشی کودکان می‌توان به درک قطعی مشکلاتی (نظیر افسردگی، پرخاشگری و اضطراب) که کودکان ممکن است در ارتباط با خانواده با آن‌ها دست به گریبان باشند، نائل گردید. به عنوان مثال، مطالعات بر روی نقاشی کودکان حاکی از آن است که اندازه نقاشی کودکان تحت تأثیر شرایط روحی و روانی آنان متفاوت است. کودکانی که شرایط روانی مطلوبی داشته‌اند (کودکان عادی)، نقاشی را در اندازه بزرگتری نسبت به کودکان دارای محیط نامناسب و شرایط روانی منفی هستند (نظیر کودکان طلاق)، ترسیم می‌کنند (بورکیت و بارنت^۳، ۲۰۰۶).

نتایج مطالعه دیگری بر روی ۲۵۳ نفر از کودکان سنین ۴ تا ۱۱ ساله نشان می‌دهد که تنوع رنگ در نقاشی کودکانی که موضوعات خوشایند و مثبت را در نقاشی ترسیم می‌کنند، بیشتر دیده می‌شود (بورکیت و بارنت، ۲۰۰۴؛ شاکریان، ۱۳۸۸). بدین لحاظ، فرض اساسی در این پژوهش آن است که نقاشی‌های کودکان عادی با نقاشی‌های کودکان طلاق و نیز سایر کودکانی که از

^۱- Corman

^۲- Wolfson

^۳- Burkitt, & Barnett

دبستان پسرانه ارم واقع در منطقه ۱۴ شهر تهران انجام شد. این دبستان در پایه‌های سوم تا ششم به طور مجزا دارای ۳ کلاس درسی با ظرفیت ۴۰ نفر در هر کلاس بود. در این پژوهش از روش انتساب هدفمند استفاده گردید تا هر یک از آزمودنی‌ها به غیر از متغیر اصلی (عضویت در خانواده طلاق و خانواده‌های عادی) از نظر سایر متغیرها نظیر سن، جنس، وضعیت تحصیلات و ... همگن باشند تا بتوان هرگونه تفاوت در نتایج پس از انجام پژوهش را به متغیر مستقل پژوهش نسبت داد. روند اجرایی تحقیق در این مدرسه بدین صورت بود که دانش‌آموزان گزینش شده ابتدا در تست ترسیم خانواده شرکت کرده و سپس نگرش و رفتارهای آنان براساس ابزار پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفت.

برای گزینش آزمودنی‌ها چند نکته مورد نظر قرار گرفت: نخست اینکه هر کلاس دربرگیرنده تعدادی دانش‌آموز طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست و نیز دانش‌آموزان عادی بود که در راستای آشکار نشدن هدف اصلی پژوهش، هر دانش‌آموز به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفت؛ این آزمون‌ها در طی یک دوره چهارماهه به اجرا درآمدند. ابزارهای اصلی در تست ترسیم خانواده عبارت بود از کاغذ و مداد سیاه. حرکات و رفتارهای دانش‌آموزان در طی روند تست نقاشی توسط آزمون‌گیرنده مورد نظر قرار گرفت و نکات مدنظر پیرامون هر نقاشی و نحوه ترسیم آن گوشزد شد. پس از اتمام نقاشی، برابر با اصول ترسیم خانواده کورمن به تمجید از نقاشی کودکان پرداخته شد و سپس از آن‌ها درخواست گردید که به سؤالات تعیین شده پاسخ دهند. نکته دیگر در روند اجرایی این پژوهش این بود که در جریان مصاحبه پس از نقاشی، حالات خلقی دانش‌آموزان نظیر شادی، غم،

خشم و ... مدنظر قرار گرفت. درنهایت به هر یک از آزمودنی‌ها کدی اختصاص داده شد تا در مراحل بعدی مراجعه، تست‌های پرخاشگری، افسردگی و اضطراب نیز از آنان گرفته و ضمیمه نقاشی گردد. جهت رعایت اصول اخلاقی پژوهش دانش‌آموزان به شکل جداگانه و بدون اطلاع سایر دانش‌آموزان ارزیابی شدند و محرمانگی اطلاعات حفظ شد. همچنین در اجرای آزمون این پژوهش، قبل از انجام دادن، رابطه عاطفی با کودک توسط آزمونگران که از دو نفر مریمان زن تحصیلکرده دانشگاهی انتخاب شده‌اند، برقرار شده و بدون هرگونه فشار براساس رضایت کودکان در محل از قبل پیش‌بینی شده، آزمون انجام گرفت. داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۲ و از طریق آزمون تحلیل واریانس و مقایسه چندگانه شفه مورد تحلیل قرار گرفتند.

ابزار

آزمون نقاشی خانواده کورمن^۱ (۱۹۶۴): نخستین ابزار آزمون نقاشی‌های خانواده است که در اصل توسط اپل و ولف^۲ پیشنهاد شد اما بعدها به گونه‌ای کاملتر به عنوان آزمون نقاشی خانواده توسط هال تدوین گردید. این روش همراه با پیشرفت خانواده درمانی در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۶۰ شهرت چشمگیری پیدا کرد. آزمون ترسیم خانواده را لویی کورمن در سال ۱۹۶۴ تهیه نموده است. در شکل سنتی این آزمون از کودک خواسته می‌شود که «خانواده‌ات را نقاشی کن». این دستورالعملی است که مؤلفانی همچون مینکوسکا در فرانسه، اپل در آمریکا و بارسیلوس در برزیل به کار بسته‌اند. در دستورالعمل

^۱- Corman Family Drawing Test

^۲- Appel, & Wolf

صاحب‌نظران در این خصوص، فراوانی آن‌ها در دو گروه نقاشی کودکان یادداشت می‌گردد. در مرحله آخر فرایند یکپارچه کردن انجام می‌گیرد. اطلاعات سه مرحله قبلی از طریق مصاحبه با خود کودک و بررسی سوابق کودک در پرونده‌ها انجام می‌گیرد تا اطمینان بیشتری نسبت به اطلاعات موجود در نقاشی حاصل گردد. پایایی آزمون ترسیم خانواده در مطالعات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان مثال در مطالعه شاکریان (۱۳۸۸) با استفاده از روش آزمون مجدد، ضریب پایایی ۰/۸۹ محاسبه شد.

مقیاس تجدیدنظر شده اضطراب آشکار کودکان^۲ (RCMAS) این مقیاس توسط رینولدز و ریچموند^۳ (۱۹۷۸) ارائه گردیده و یکی از معروفترین و معتبرترین آزمون‌های سنجش اضطراب کودکان و نوجوانان می‌باشد. این مقیاس علائم جسمانی، نگرانی و اضطراب اجتماعی و به طور کلی اضطراب مزمن را می‌سنجد که به منظورشناسایی اضطراب کودکان ۱۹-۵ ساله تدوین گردیده است. این مقیاس شامل ۳۷ گویه است که از این تعداد ۲۸ گویه، اضطراب را سنجیده و ۹ گویه دیگر یک مقیاس دروغ سنج را شامل می‌شود که پاسخ‌های غیرصادقانه آزمودنی را ارزیابی می‌کند. ریموندز و ریچموند ثبات درونی سه زیرمقیاس آن را از ۰/۵۶ تا ۰/۸۰ و ثبات درونی کل مقیاس را ۰/۸۰ گزارش کرده‌اند. میزان همسانی این مقیاس با بهره‌گیری از روش کودر- ریچاردسون برای زیر مقیاس‌های اضطراب فیزیولوژیک، نگرانی و تمرکز به ترتیب برابر با ۰/۶۵، ۰/۶۴ و ۰/۶۰ گزارش شده است. استوار و رضویه (۱۳۸۱) ساختار چهارعاملی این مقیاس را روی نمونه-

جدید کورمن به کودک گفته می‌شود «یک خانواده را به فکر خودت نقاشی کن». این دستورالعمل آزادی کامل تری فراهم می‌سازد و از این راه، تمایلات ناهشیار با سهولت بیشتری بیان می‌شود و به این ترتیب است که کودک خواهد توانست از واقعیت فاصله بیشتری گرفته و مثلاً خانواده‌ای را نقاشی کند که خود در آن جایی ندارد یا در موارد دیگر، خود را در اشخاص مختلف نقاشی فرافکنی کند. اجرای آزمون مستلزم آن است که یک صفحه کاغذ، یک مداد و یک پاک‌کن به کودک داده می‌شود و به وی گفته می‌شود یک نقاشی از خانواده‌ات بکش. در نمره‌گذاری آزمون به این نکته توجه می‌گردد که تفسیر نقاشی‌های فرافکن روی پیوستاری انجام می‌گیرد که دامنه تغییر آن از نمره‌گذاری عینی تا تحلیل شهودی و برداشتی است (گاری^۱، ۱۹۹۰).

روش نمره‌گذاری زیر در چهار مرحله برای بررسی نقاشی‌های خانواده مورد استفاده واقع می‌گردد: ۱. برداشت کلی، ۲. بررسی جزئیات خاص ۳. نمره‌گذاری عینی ۴. یکپارچه کردن. در مرحله برداشت کلی، به بررسی نقاشی به صورت کلی مانند توجه به حالت روانی، پیام کلی و احساسی که نقاشی به بیننده منتقل می‌کند پرداخته می‌شود. در بررسی جزئیات خاص، اجزای مختلف نقاشی به روش منطقی تجزیه و تحلیل می‌گردند. در این تحلیل بر جنبه‌های غیرمعمول نقاشی مانند اندازه نقاشی و کیفیت پرداخت به جزئیات نقاشی مانند ارزنده سازی توجه می‌گردد. در نمره‌گذاری عینی به فراوانی خصیصه‌های مورد اتفاق در نقاشی خانواده کودکان مورد آزمون از جمله حذف عناصر و استفاده از رنگ‌های مختلف استناد می‌گردد که به‌طور دقیق و مشورت با

^۲- Revised Children's Manifest Anxiety Scale (RCMAS)

^۳- Reynolds CR, & Richmond BO

^۱- Gari GM

است و دارای ۲۹ گویه است. این مقیاس شامل چهارگونه رفتارهای پرخاشگرانه بدنی، کلامی، خشم و خصومت می‌باشد و آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف ۵ درجه‌ای پاسخ می‌دهند. پرسشنامه پرخاشگری دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای چهار زیرمقیاس (با فاصله ۹ هفته) ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین چهار زیرمقیاس ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ بدست آمده است. جهت سنجش اعتبار درونی مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج نشانگر همسانی درونی زیرمقیاس پرخاشگری بدنی ۰/۸۲، پرخاشگری کلامی ۰/۸۱، خشم ۰/۸۳ و خصومت ۰/۸۰ بود (باس و پری، ۱۹۹۲). سامانی (۱۳۸۶) این پرسشنامه را از جهت روایی و پایایی به طور کامل مورد بررسی قرار داد؛ ضریب پایایی این پرسشنامه به شیوه بازآزمایی، برابر ۰/۷۸ به دست آمد. همچنین همبستگی بالای عوامل با نمره کل پرسشنامه، همبستگی ضعیف عوامل با یکدیگر و مقادیر ضریب آن‌ها همگی نشان دهنده کفایت و کارایی این پرسشنامه برای کاربرد پژوهشگران و متخصصان در ایران است.

یافته‌ها

براساس یافته‌های تحقیق، ۲۱ درصد از کودکان مورد بررسی ۹ ساله، ۱۸ درصد ۱۰ ساله، ۳۴ درصد ۱۱ ساله و ۲۷ درصد ۱۲ ساله بودند. همچنین ۵۰ درصد از کودکان مورد بررسی متعلق به خانواده‌های عادی، ۱۸ درصد خانواده‌های طلاق، ۱۹ درصد خانواده‌های بدسرپرست و ۱۳ درصد خانواده‌های بی‌سرپرست بودند. در جدول ۱ مقایسه تطبیق - توصیفی اضطراب، افسردگی و پرخاشگری در آزمون‌های کمی (پیمایش) و آزمون نقاشی ارائه شده است.

ای از نوجوانان ایرانی تأیید نموده و همچنین پایایی این مقیاس را به روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک تا چهار هفته ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند (نقل از استوار و تقوی، ۱۳۸۵).

مقیاس افسردگی کودکان^۱ (CDI) پرسشنامه خودگزارش دهی افسردگی کودکان به وسیله کواکس^۲ (۱۹۸۵) برای اندازه‌گیری افسردگی در کودکان و نوجوانان ۷-۱۷ ساله ساخته شده است. این پرسشنامه شامل پنج خرده مقیاس خلق منفی، مشکلات بین فردی، ناکارآمدی، بی‌لذتی و عزت نفس منفی می‌باشد. این پرسشنامه شامل ۲۷ سؤال که هر سؤال شامل سه جمله است و برای اندازه‌گیری نشانگان افسردگی نظیر گریه کردن، افکار خودکشی، توانایی در تمرکز بر تکالیف مدرسه طراحی شده است. سؤالات از صفر تا ۲ نمره- گذاری می‌شوند. نمرات صفر نشان‌دهنده فقدان نشانه، نمره یک نشانه متوسط و نمره ۲ بیانگر وجود آشکار است، در نتیجه دامنه نمرات از صفر تا ۵۲ که نمرات بالاتر نشان‌دهنده افسردگی بیشتر است. نتایج ارزیابی پایایی این پرسشنامه نشان می‌دهد که ضریب آلفای آن برابر ۰/۸۳ است همچنین ضرایب آلفای خرده مقیاس‌های آن بین ۰/۳۸ تا ۰/۶۰ می‌باشد. به منظور بررسی پایایی بازآزمایی این پرسشنامه در مطالعات داخلی، پرسشنامه روی ۳۶ نفر آزمودنی با فاصله زمانی ۳ هفته اجرا شده و ضریب پایایی کل پرسشنامه ۰/۸۲ و ابعاد آن بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۳ بدست آمد (دهشیری، شیخی، حبیبی و همکاران، ۱۳۸۸).

مقیاس پرخاشگری باس و پری^۳ (AQ): پرسشنامه پرخاشگری توسط باس و پری در سال ۱۹۹۲ ساخته شده

^۱- Child Depression Inventory

^۲- Kovacs

^۳- Buss and Perry's Aggression Questionnaire

جدول ۱ توزیع طبقه‌ای متغیرهای اضطراب، افسردگی و پر خاشگری در پیمایش و نقاشی کودکان

اضطراب، افسردگی و پر خاشگری		پیمایش	آزمون نقاشی
کودکان عادی	اضطراب	۵۴	۸۴
	افسردگی	۱۰۰	۹۸
	پر خاشگری	۷۸	۸۸
کودکان طلاق	اضطراب	-	۵/۶
	افسردگی	۱۶/۷	۵/۶
	پر خاشگری	-	-
کودکان بد سرپرست	اضطراب	-	-
	افسردگی	-	-
	پر خاشگری	-	۵/۳
کودکان بی سرپرست	اضطراب	-	۷/۷
	افسردگی	-	-
	پر خاشگری	-	-
کودکان عادی	اضطراب	۴۶	۱۴
	افسردگی	-	۲
	پر خاشگری	۲۲	۱۰
کودکان طلاق	اضطراب	۲۷/۸	۲۷/۸
	افسردگی	۱۱/۱	۳۸/۹
	پر خاشگری	۵/۶	۴۴/۴
کودکان بد سرپرست	اضطراب	-	۴۲/۱
	افسردگی	-	۱۵/۸
	پر خاشگری	-	۲۶/۳
کودکان بی سرپرست	اضطراب	۷۶/۹	۴۶/۲
	افسردگی	-	۲۳/۱
	پر خاشگری	-	۳۸/۵
کودکان عادی	اضطراب	-	۲
	افسردگی	-	-
	پر خاشگری	-	۲
کودکان طلاق	اضطراب	۷۲/۲	۶۶/۷
	افسردگی	۷۲/۲	۵۵/۶
	پر خاشگری	۹۴/۴	۵۵/۶
کودکان بد سرپرست	اضطراب	۱۰۰	۵۷/۹
	افسردگی	۱۰۰	۸۴/۲
	پر خاشگری	۱۰۰	۶۸/۴
کودکان بی سرپرست	اضطراب	۲۳/۱	۴۶/۲
	افسردگی	۱۰۰	۷۶/۹
	پر خاشگری	۱۰۰	۶۱/۵

کم

متوسط

زیاد

نتایج تحلیل جدول ۱ نشان می‌دهد که پایین‌ترین میزان اضطراب، افسردگی و پرخاشگری در هر دو آزمون نقاشی و پیمایشی متعلق به گروه کودکان عادی بوده است. از سوی دیگر، بالاترین میزان اضطراب در آزمون پیمایشی متعلق به گروه کودکان بدسرپرست و در آزمون نقاشی متعلق به گروه کودکان طلاق است. همچنین بالاترین میزان افسردگی در آزمون پیمایشی متعلق به کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و در آزمون نقاشی متعلق به گروه بدسرپرست است. بر این اساس، کودکان بدسرپرست در هر دو آزمون مورد بررسی بالاترین میزان افسردگی را از خود نشان داده‌اند. همچنین، بالاترین

میزان پرخاشگری در آزمون پیمایشی متعلق به کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و در آزمون نقاشی متعلق به کودکان بدسرپرست بوده است. بدین لحاظ کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست نسبت به گروه کودکان طلاق به لحاظ شاخص‌های افسردگی و پرخاشگری در هر دو آزمون پیمایشی و نقاشی، در وضعیت نامطلوب‌تری به سر برده و افسرده‌تر و پرخاشجوتر بودند. در جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمرات حاصل از پرسشنامه و تست نقاشی بر مبنای ضریب همبستگی پیرسون ارائه گردیده است.

جدول ۲ ماتریس همبستگی میان نمرات حاصل از پرسشنامه و تست نقاشی

		تست نقاشی		ماتریس همبستگی	
		افسردگی	اضطراب	اضطراب	افسردگی
	اضطراب		۰/۷۵۶°	۰/۷۵۶°	۰/۸۲۳°
	افسردگی	۰/۸۲۳°		۰/۸۲۳°	۰/۸۴۶°
	پر خاشگری			۰/۸۴۶°	

*ضرایب همبستگی در سطح ۰/۰۰۰ معنی دار است.

نتایج جدول ۲ حاکی از این است که میان نمرات شاخص اضطراب، افسردگی و پرخاشگری کودکان و نمرات این متغیرها در تست نقاشی کودکان همبستگی بالایی وجود دارد. این مسئله نشان‌دهنده همسویی بالای یافته‌های حاصل از پرسشنامه و تست نقاشی بوده و حاکی از این است که یافته‌های این دو آزمون، همدیگر را تأیید و تصدیق نموده و در سطح بالایی با یکدیگر همبسته

هستند. میزان همبستگی شاخص‌های اضطراب، افسردگی و پرخاشگری در دو تست مورد بررسی به ترتیب عبارت است از ۰/۷۵۶، ۰/۸۲۳ و ۰/۸۴۶. در این میان، بالاترین میزان همبستگی مرتبط با شاخص پرخاشگری است. در جدول ۳ بررسی تطبیقی میزان پرخاشگری، اضطراب و افسردگی (شاخص کل) بر مبنای وضعیت خانوادگی ارائه شده است.

جدول ۳ نتایج آزمون تحلیل واریانس پیرامون بررسی تطبیقی میزان پرخاشگری، اضطراب و افسردگی (شاخص کل) بر مبنای وضعیت خانوادگی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
بین گروهی	۱۴۱۱۴۹/۹۵۰	۳	۴۷۰۴۹/۹۸۳	۵۸۱/۸۷۰	۰/۰۰۰
درون گروهی	۷۷۶۲/۵۶۰	۹۶	۸۰/۸۶۰		

که با هر دو والد (کودکان عادی) زندگی می کنند. برای بررسی دقیق تر و تطبیقی این گروه ها در جداول شماره ۴ و ۵ نتایج آزمون مقایسه چندگانه و پس آزمون آن ارائه شده است:

نتایج آزمون جدول ۳ نشان داد که بین گروه کودکان عادی و کودکان طلاق، بدسرپرست و بی سرپرست تفاوت معناداری وجود دارد ($F=581/870$ و $P=0/000$). بر این اساس، میزان پرخاشگری کودکان خانواده های طلاق، بدسرپرست و بی سرپرست بیشتر از کودکانی است

جدول ۴ مقایسه چندگانه (شفه) بین گروه کودکان عادی، کودکان طلاق، بدسرپرست و بی سرپرست

گروه	تفاوت میانگین	انحراف معیار	سطح معنی داری	سطح ۹۵ درصدی اطمینان	محدوده بالا	محدوده پایین
عادی	۶۲/۶۱	۲/۴۷	۰/۰۰۰	۶۹/۶۴	۵۵/۵۸	-۵۵/۵۸
بدسرپرست	۸۴/۲۱	۲/۴۲	۰/۰۰۰	۹۱/۱۱	۷۷/۳۲	-۷۷/۳۲
بی سرپرست	۷۴/۷۵	۲/۷۹	۰/۰۰۰	۸۲/۷۱	۶۶/۷۸	-۶۶/۷۸
طلاق	۶۲/۶۱	۲/۴۷	۰/۰۰۰	۶۹/۶۴	۵۵/۵۸	-۵۵/۵۸
بدسرپرست	۲۱/۶۰	۲/۹۵	۰/۰۰۰	۳۰/۰۱	۱۳/۱۸	-۱۳/۱۸
بی سرپرست	۱۲/۱۳	۳/۲۷	۰/۰۰۵	۲۱/۴۵	۲/۸۲	-۲/۸۲
بدسرپرست	۸۴/۲۱	۲/۴۲	۰/۰۰۰	۹۱/۱۱	۷۷/۳۲	-۷۷/۳۲
طلاق	۲۱/۶۰	۲/۹۵	۰/۰۰۰	۳۰/۰۱	۱۳/۱۸	-۱۳/۱۸
بی سرپرست	۹/۴۶	۳/۳۲	۰/۰۴۱	۰/۲۵۵	۱۸/۶۷	-۱۸/۶۷
بی سرپرست	۷۴/۷۵	۲/۷۹	۰/۰۰۰	۸۲/۷۱	۶۶/۷۸	-۶۶/۷۸
طلاق	۱۲/۱۳	۳/۲۷	۰/۰۰۵	۲۱/۴۵	۲/۸۲	-۲/۸۲
بدسرپرست	۹/۴۶	۳/۲۳	۰/۰۴۱	۰/۲۵۵	۱۸/۶۷	-۱۸/۶۷

نتایج مقایسه چندگانه ارائه شده در جدول ۴ حاکی از این است که به لحاظ آماری، میزان افسردگی، اضطراب و پرخاشگری (شاخص کل) در میان کودکان عادی

متفاوت از کودکان طلاق، بی سرپرست و بدسرپرست است.

جدول ۵ نتایج پس آزمون شفه پیرامون بررسی تطبیقی میزان پرخاشگری، اضطراب و افسردگی (شاخص کل)

گروه	فراوانی	زیر مجموعه برای آلفای ۰/۰۵
		۱ ۲ ۳ ۴
کودکان عادی	۵۰	۱۱۱/۹۴
کودکان طلاق	۱۳	۱۷۴/۵۵

۱۸	کودکان بی‌سرپرست	۱۸۶/۶۹
۱۹	کودکان بدسرپرست	۱۹۶/۱۵

همچنین جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که به ترتیب میزان اضطراب، افسردگی و پرخاشگری (شاخص کل) کودکان بدسرپرست (۱۹۶/۱۵)، کودکان بی‌سرپرست (۱۸۶/۶۹) و کودکان طلاق (۱۷۴/۵۵) بیشتر از کودکان عادی (۱۱۱/۹۴) است.

بحث

هدف از این پژوهش، تفسیر تطبیقی آزمون نقاشی خانواده کودکان عادی و طلاق و نیز کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست (۹ تا ۱۴ ساله) با تأکید بر بررسی اضطراب، افسردگی و پرخاشگری بود. یافته‌های توصیفی در بخش ارزیابی متغیرهای اصلی این پژوهش در دو بخش پیمایشی و تفسیر نقاشی حاکی از این بودند که به لحاظ میزان اضطراب، میانگین میزان اضطراب کودکان عادی از میزان اضطراب کودکان طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست پایین‌تر بوده و از این حیث، بالاترین میزان اضطراب متعلق به کودکان بدسرپرست و طلاق بوده و این گروه از کودکان بیشترین میزان اضطراب را تجربه می‌کردند. همسو با این یافته‌ها در حوزه اضطراب، شواهد ارائه شده در سایر پژوهش‌ها نیز در تطابق با نتایج این پژوهش بودند. به عنوان مثال: قمری گیوی و خشنودنیای چماچایی (۱۳۹۵) طی پژوهشی با مقایسه میزان سلامت روانی و عملکرد تحصیلی در فرزندان با والدین مطلقه، متقاضی طلاق و عادی نشان دادند که علائم اضطراب، اختلال در عملکرد اجتماعی، افسردگی و اختلال روانی به‌طورکلی در فرزندان با والدین مطلقه و متقاضی طلاق بیشتر از فرزندان با والدین عادی است.

یحیی‌زاده و حامد (۱۳۹۴) طی فراتحلیلی به بررسی مسائل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوط پرداخته و نشان دادند که بیشتر فرضیه‌های مربوط در پژوهش‌های مورد بررسی مبتنی بر وجود تفاوت بین سلامت روان فرزندان خانواده‌های طلاق و عادی است و ۵۰ درصد مطالعات با فرض تأثیر طلاق بر سلامت روان فرزندان کار خود را شروع کرده‌اند و پس از آن فرضیه‌هایی قرار گرفته است که بر این مسئله دلالت دارند که تفاوت معناداری میان میزان سلامت روانی-اجتماعی فرزندان طلاق و نوع حضانت والدین وجود دارد. در این میان ۴۵ درصد از پژوهش‌ها نشان دادند که میزان اضطراب کودکان طلاق و کودکان با والدین عادی متفاوت است و از این حیث، نتایج نشان‌دهنده وضعیت نامتناسب فرزندان طلاق در شاخص‌های سلامت روان و زیر مقیاس‌های آن نظیر نشانه‌های اضطراب و افسردگی بودند (شهنی و همکاران، ۱۳۹۰؛ رئیسی و همکاران، ۱۳۹۱؛ به نقل از یحیی‌زاده و حامد، ۱۳۹۴). اما نکته‌ای که در پژوهش‌های پیشین به خوبی بدان پرداخته نشده بود این بود که تصویر واضحی از تفاوت بین گروه‌های بدسرپرست، بی‌سرپرست و کودکان طلاق وجود نداشت و پژوهش حاضر به خوبی این تفاوت‌ها را مشخص ساخت و مشخص شد که گروه بدسرپرست بدترین وضعیت را در مقایسه با سایر گروه‌ها تجربه می‌کنند.

همچنین یافته‌های پژوهشی اپولیتو (۲۰۰۸)^۱ بر روی دو گروه کودکان تک‌والدی و عادی ایتالیایی با استفاده از آزمون ترسیمی خانواده کورمن نیز با یافته‌های پژوهش

^۱ - Ippolito

میانگین احساس افسردگی کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و طلاق نسبت به کودکان عادی بالاتر بوده و کودکان عادی در مقایسه با کودکان خانواده‌هایی که یا به لحاظ خانوادگی فروپاشیده یا با مشکلات بیشتر مواجه هستند، افسردگی کمتری را تجربه می‌نمایند. ارزیابی نشانه‌های افسردگی در نقاشی کودکان نیز که شامل خطوط کمرنگ، کوچک بودن نقاشی نسبت به صفحه، محدود کردن نقاشی به یک طرح کلی، واپس‌گرایی و همسانی با یک نوزاد، انعطاف‌ناپذیری نقاشی، ضعف در تکامل نقاشی و محصور کردن نقاشی به وسیله کادر بوده حاکی از این است که میزان نشانه‌های افسردگی در نقاشی کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست و طلاق نسبت به کودکان عادی بیشتر بوده و از این حیث، کودکان عادی افسردگی کمتری تجربه کرده و در نقاشی‌های خود بروز داده‌اند. این نتایج همسو با یافته‌های بسیاری از مطالعات از جمله پژوهش امینی و همکاران (۱۳۹۲) بوده که در پژوهش خود با مقایسه افسردگی، استرس، اضطراب، کمرویی، پرخاشگری و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر تک‌والد و دو‌والد شهر کرمانشاه نشان داده‌اند که میانگین پیشرفت تحصیلی، افسردگی، استرس و کمرویی در گروه دانش‌آموزان تک‌والد و دانش‌آموزان دو‌والد تفاوت معناداری دارد. بدین لحاظ محرومیت وجود یکی از والدین در سلامت روان و پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات منفی دارد.

سومین شاخص مورد بررسی در این پژوهش، میزان پرخاشگری چهار گروه از کودکان بر مبنای تفسیر نقاشی و تست پیمایشی بوده است. نتایج توصیفی پژوهش در این حوزه نشان دادند که به لحاظ آماری، میانگین پرخاشگری کودکان بدسرپرست، بی‌سرپرست و طلاق

حاضر همسوست. آن‌ها نتیجه گرفتند که کودکان خانواده‌های عادی بیشتر از رنگ‌های شاد، ارزنده سازی، ترسیم والدین با هم و حضور خود در نقاشی استفاده نموده‌اند درحالی‌که در ترسیم‌های کودکان خانواده‌های تک‌والدی، سطح پایین اعتماد به نفس، استفاده از رنگ‌های سرد یا تحویل نقاشی بدون رنگ، حذف اعضای بدن و حذف یکی از والدین مشخص بود. به نظر ایپولیتو نشانگان مشکلات عاطفی و اضطرابی به صورت ترسیم خصمانه تصاویر، اشکال غیرقابل تشخیص و رسم حیوانات، استفاده از رنگ‌های تیره یا عدم حضور رنگ، شکل‌های معلق در کاغذ، ترسیم با فاصله افراد و به‌طور کلی عدم ثبات و امنیت در نقاشی کودکان تک‌والدی دیده می‌شود. همچنین در ترسیم‌های کودکان خانواده‌های دارای ناپدری و نامادری، اعضای خانواده به صورتی عجیب و غریب نقاشی شده و در ترسیم آن‌ها نشانه‌ای از صمیمیت و ارتباط در بین اعضای خانواده دیده نمی‌شود (مارزو^۱، ۲۰۰۸؛ شاکریان، ۱۳۸۸). فن (۲۰۱۲) با تفسیر نقاشی کودکان بدین نتیجه دست یافت که با تغییر ساختار خانواده، تنش و اضطراب در کودک ایجاد شده و با ادامه این تنازع، اضطراب کودک بیشتر می‌شود. کودک مضطرب خود را به شدت مورد انتقاد قرار داده و حتی شرایطی را جهت از بین بردن خود فراهم می‌کند. او این موقعیت‌های خطر را در نقاشی‌هایش کاملاً آشکار می‌کند.

بخش دیگری از یافته‌های این پژوهش مرتبط با ارزیابی وضعیت افسردگی کودکان بر مبنای دو گروه از آزمون‌های نقاشی و تست‌های پیمایشی است. نتایج یافته‌های توصیفی در این زمینه نشان داده است که

^۱ - Marzo

بی‌سرپرست و بدسرپرست) و یا با یکی از والدین خویش زندگی می‌کنند، در معرض آسیب‌ها و اختلالات روانی و رفتاری بیشتر و شدیدتری هستند. کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست در مقایسه شرایط زندگی خود با کودکان عادی، خود را دچار کام‌نایافتگی جبران‌ناپذیری می‌بینند و در این میان میزان آسیب کودکان بدسرپرست حتی از کودکان بی‌سرپرست و طلاق هم بدتر است و این موضوع نیازمند توجه است که درمانگران و سازمان‌های حمایتی به کودکان بدسرپرست توجه ویژه‌ای داشته باشند و با گمان اینکه آن‌ها حداقل سرپرستی دارند آسیب‌های این گروه نادیده گرفته نشود.

نتیجه‌گیری

نهایتاً براساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان گفت که کودکان خانواده‌های بدسرپرست، بی‌سرپرست و طلاق نسبت به کودکان عادی، افسرده‌تر، مضطرب‌تر و پرخاشگرتر هستند و میان آزمون‌های عینی و آزمون نقاشی کودکان به لحاظ بروز کژکارکردی‌های روانشناختی تطابق وجود دارد و یافته‌های پژوهش حاضر در کار بالینی می‌تواند شواهد جالبی را مطرح نماید و به درمانگرانی که با کودکان خانواده‌های طلاق و بدسرپرست کار می‌کنند توصیه می‌شود در کار با این افراد نقش متغیرهای روانشناختی را در نظر داشته باشند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به دشواری تفسیر و اجرای تست‌ها به ویژه تست نقاشی اشاره کرد، همچنین اینکه امکان کنترل تمامی متغیرهای مزاحم وجود نداشت.

سپاسگزاری

نویسندگان مطالعه حاضر مراتب سپاس و قدردانی را از تمامی آزمودنی‌هایی که در این پژوهش همکاری لازم را

بالتر از میانگین پرخاشگری کودکان عادی بوده است و این گروه از کودکان نسبت به کودکانی که متعلق به خانواده‌های باثبات بوده و هر دو والد در خانواده حضور دارند، متحمل خشونت و پرخاشگری بیشتری می‌گردند. همسو با این مسئله، نتایج تفسیر نقاشی این کودکان نیز حاکی از این بود که نشانه‌های پرخاشگری، یعنی داشتن فاصله بین افراد، کشیدن حیوان خاصی در نقاشی برای جابجا کردن خشم، حذف رقیب یا فردی از اعضای خانواده که باعث آزار فرد هستند، حذف پدر یا مادر و با فاصله کشیدن خود از دیگران، در نقاشی کودکان بدسرپرست، بی‌سرپرست و طلاق بیشتر از کودکان عادی مشاهده می‌گردد و از این نظر، کودکان عادی پرخاشگری کمتری را تجربه کرده و بروز می‌دهند. کودکانی که متعلق به خانواده‌های بی‌ثبات بوده و اغلب مسائل خانوادگی، بر زندگی اجتماعی و تحصیلی آنان تأثیر گذاشته است، دستخوش پرخاشگری بیشتری بوده و خصومت بیشتری از خود به نمایش می‌گذارند. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های مطالعات نظیر پژوهش‌های محبی و همکاران (۲۰۱۱)، ملازاده (۲۰۰۳)، میرز و مک‌کال^۱ (۲۰۱۰) و سیمسک^۲ و همکاران (۲۰۰۷) است (حصارسرخ و همکاران، ۱۳۹۵).

دنیای تنهایی کودکان طلاق، بدسرپرست و بی‌سرپرست بسیار عذاب‌آور بوده و روابط اجتماعی آن‌ها دچار اختلال می‌شود و همین امر، اکثر این کودکان را درگیر بسیاری مسائل فردی، اجتماعی و روانی می‌سازد. به‌طور کلی، خانواده و استمرار و تداوم ارتباط با والدین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در این میان، کودکانی که از ارتباط با والدین خویش محروم هستند (کودکان

^۱- Merz, & Mc Call

^۲- Sismsek

(2018). Social and academic functioning in adolescents with anxiety disorders: A systematic review. *Journal of Affective Disorders*, 230, 108–117. doi:10.1016/j.jad.2018.01.008

Ebrahimi Moghaddam H, Badrizadeh A, Farhadi A. (2014). Study of anxiety symptoms in drawing-a-person test of Khorramabad 10 years old children. *yafte*. 15 (5): 93-103. (In Persian)

Ebrahimi Moghaddam H, Jolanian T. (2014). Normalization of Reynolds Child Depression Scale (RCDS) in Tehran Elementary School Students in. *JRUMS*. 2016; 15 (8): 739-752. (In Persian)

Fan RJ. (2012). A study on the kinetic family drawings by children with different family structures. *Int J Arts Educ*; 10(1): 173-204.

Gari GM. (1990). [Handbook of psychology test]. Sharifi HP. (translator). Tehran: Roshd; 1990: 259-304.

Ghamari Givi H, Khoshnoodniyai Chomachaei B. (2016). Comparison of Social Skills, Mental Health and Academic Performance in Children with Divorced, Divorcing and Intact Parents. *Journal of Family Research*, 12(1), 69-92. (In Persian)

Hockenberry MJ, Wilson D, Wong DL. (2012). *ET lapwing's Essentials of Pediatric Nursing*: 9th Ed. St. USA: MosbyElsevier, p.664.

Ippolito A. (2008). The effect of parent separation on children. [cited 2008 Nov 10]. Available from: URL;http://www.forensicpsychology.it/numero%20002/ippol_ing.ht.

Jangi S, Shirabadi A, Ansarhosein S, Alizadeh Ghoradel J. (2014). Efficacy of painting therapy in reducing aggression in children with conduct disorder. *Journal of Kermanshah University of Medical Sciences*, 18(8), 443-451. (In Persian)

Kaslow Nadin J, Deering G, Racusin CR. (1994). Depressed children and their families. *Clin. Psycho I. Review*, 14 (1): 35-59.

Kathy R. (2001). Young children drawing: The Significance. *Proceeding of the British Educational Research Association Annual*

داشتند به عمل می‌آورند. لازم به ذکر است که این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی است و دارای کد اخلاق به شماره تصویب IR.TUMS.VCR.REC.1397.1066 از کمیته اخلاق پژوهش‌های زیست پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران است.

References

- Amini A, Khodadadi K, Zaki Allahverdi H. (2013). Comparison of Depression, Stress, Anxiety, Shyness, Aggression and Academic Achievement in Single-Parent and Two-Parent Male Students. *Educational Administration Research*, 4(16), 57-66. (In Persian)
- Asli MB, Akbari B. (2016). The relationship between social support and ways of coping with depression of devotees in Guilan. *International Journal of Humanities and Cultural Studies*, 1(1): 508-22.
- Bhatia MS, Goyal A. (2018). Anxiety disorders in children and adolescents: Need for early detection. *Journal of postgraduate medicine*, 64(2), 75–76.
- Burkitt E, Barnett N. (2006). The effects of brief and elaborate mood induction procedures on the size of young children's drawings. *J Educ Psychol* 26(1): 93-108.
- Buss AH, Perry M. (1992). The aggression questionnaire. *Journal of personality and social psychology*, 63(3), 452–459. <https://doi.org/10.1037//0022-3514.63.3.452>
- Chiu A, Falk A, Walkup JT. (2016). Anxiety Disorders Among Children and Adolescents. *Focus (American Psychiatric Publishing)*, 14(1), 26–33. <https://doi.org/10.1176/appi.focus.20150029>
- Connor DF. (2012). *Aggression and antisocial behavior in children and adolescents*. 1st ed. New York: Guilford; 2012: 45-7.
- De Lijster JM, Dieleman GC, Utens EMWJ, Dierckx B, Wierenga M, Verhulst FC, Legerstee JS.

- Conference; 2001; British. College of Ripon and York: 13-5.
- Kierman NV, Nicholas I, Pearson J, Kellam S. (2013). "Household family structure and children's aggressive behavior: A longitudinal study of urban elementary school children". *Journal of Abnormal Child Psychology*, Vol. 23, 553-568.
- Kovacs M. (1985). The Children's Depression Inventory (CDI). *Psychopharmacology bulletin*, 21(4), 995-998.
- Merz EC, Mc Call RB. (2010). Behavior Problems in Children Adopted from Psychosocially Depriving Institutions. *J Abnorm Child Psychol.*; 38(4):459-470.
- Mohebbi S, Mohammadi A, Ghasemi N. (2011). Comparison of maladjustment indicators using machover draw-a-person test and behavioral disorders in orphan versus non-orphan. *Armaghane danesh Journal*; 16(6): 578-586. (In Persian)
- Mollazadeh A. (2003). Orphan and poor parenting children and Performance of employees for them. *Payvand Journal*; 285(3):74-85. (In Persian)
- Mullen S. (2018). Major depressive disorder in children and adolescents. *The mental health clinician*, 8(6), 275-283. <https://doi.org/10.9740/mhc.2018.11.275>.
- O'Connor BC, Lewandowski RE, Rodriguez S, Tinoco A, Gardner W, Hoagwood K, et al. (2016). Usual care for adolescent depression from symptom identification through treatment initiation. *JAMA Pediatr*; 170(4):373-80.
- Ostovar S, Taghavi M. (2006). Validity Assessment of Dimensions of Tripartite Model of Anxiety and Depression. *IJPCP*. 12 (3) :223-229. (In Persian)
- Reynolds CR, Richmond BO. (1978). What I Think and Feel: A Revised Measure of Children's Manifest Anxiety. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 6, 271-280.
- Samani S. (2007). Evaluation reliability and validity Buss and Perry Aggression Questionnaire. *J Psychiat Clin Psychol*; (13):365-59. (In Persian)
- Seyed Esmaili Qomi N, Sheykhosslami A. (2013). A Comparison of Signs of Anxiety and Depression in Draw a Person Test in Educable Mentally Retarded and Normal Students. *Psychology of Exceptional Individuals*, 3(10), 113-128. (In Persian)
- Shakerian A. (2009). Family drawings for psychological analysis of children living in normal and single-parent families. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 11(44), 21-312. (In Persian)
- Shirkosh S, Mirzaei M, Tabari R, Kazemnejadlilei E, Rostami M. (2016). Evaluation of Aggression and Socioeconomic Factors associated it, Among Preschool Children, *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 26(4), 90-98. (In Persian)
- Soltanifar A, Bina M. (2007). Depressive symptomatology in school children of Tehran-Iran (9-11 years old) and its relation to function of their families. *The Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health* Vol. 9 (35-34), P.7-14. (In Persian)
- Veltman MW, Browne KD. (2003). Trained raters' evaluation of Kinetic Family Drawings of physically abused children. *The Arts in psychotherapy*. 30(1): 3-12.
- Wamer CM, Reigade C, Fisher PH, Saborsky AL, Benkov KJ. (2009). CBT for anxiety and associated somatic complaints in pediatric medical setting: An open pilot study *journal of clinical psychology mediation* 16: 169-177.